



۲۰۱۵/۰۸/۲۱

ولی احمد نوری

باز هم در باره حذف نام "افغان" از تذکره تابعیت

به تاریخ ۲۰۱۵/۰۸/۱۹ در پورتال افغان جرمن آنلاین مقالی زیر عنوان «تلاش ممانعت ثبت نام "افغان" در تذکره تابعیت افغانستان» نوشته بودم که با کلیک بالای لینک ذیل از نظر گذشتانده می توانید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_mamaaneat_sabt_afghan_dar_tazkeraye_taabeyat.pdf

اینک توجه شما افغان های دارای اندیشه ملی و مدافعان وحدت ملی افغانستان و تمامیت ارضی وطن عزیز آبابی ما را به متن ذیل که با موضوع نوشته فوق بنده ارتباط مستقیم داشته، و توسط یکی از دوستان دانشمند و وطن پرست این راقم از نشریه انترنتی "الجزیره" از زبان انگلیسی به دری ترجمه شده است، جلب می نمایم.

من در نوشته قبلی، به اصطلاح زیبای مردم عزیز کابل از «پس کشک» این تصمیم خائنین در مورد از بین بردن نام "افغان" در تذکره تابعیت، اخطار لازم را داده بودم و قدم دوم و سوم این کار شنیع و غیر ملی و خائنه را تغییر نام افغانستان و خدای نخواستہ تجزیه افغانستان پنداشته و توجه همه افغانان اصیل و وطن پرستان را جلب کرده بودم. متأسفانه در نوشته آقای داؤد مرادیان که در ذیل می خوانید بربادی افغانستان، سقوط و انهدام افغانستان و یا تجزیه افغانستان و تسلیمی دست بسته آن به کشور ایران که به گفته داؤد مرادیان «ایران وطن اصلی ما ؟؟؟» و «ایران تاج سر ما ؟؟؟» می باشد، فریاد دارد.

این شما و این هم مطلب جناب آقای داؤد مرادیان (ایرانو فیل دیگر) که به زبان انگلیسی نوشته شده و در سایت انترنتی "الجزیره" به تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۱۵ م نشر شده است.

*** **

داؤد مرادیان(۱)

معاهده ایران:

یک پیشامدی که امکان دارد موجب تغییر سرنوشت افغانستان گردد. توافق اتمی می تواند یک پیشرفتی به منظور باز یابی فرهنگ افغانی باشد.

۱- داؤد مرادیان در حال حاضر مدیر عمومی مرکز افغانستان برای مطالعات ستراتیژیک، و قبلاً آمر پروگرام ها در دفتر حامد کرزی و مشاور ارشد پالیسی در وزارت خارجه افغانستان بود.

«هر دو کشور افغانستان و ایران از جور قدرتهای استعماری و از فقدان مناسبات دوستانه در همسایگی خود متضرر بوده اند.» [این مطلب را آقای مرادیان متذکر گردیده است]. توافق اتمی ایران واجد یک زلزله سیاسی و جیوستراتیژیک در منطقه شرق میانه و ماوراء آن - به شمول تسریع در حرکت به سوی ریفرم در ایران و تقویة حلقات دیموکراتیک در جهان اسلام می باشد.

با نجات از محاصره خارجیان و فشار های داخلی، اکنون ایران می تواند که خود، منطقه و جهان فراتر اسلامی را بسوی یک آینده مملو از ترقی، ثبات و مردم سالاری سوق دهد. و افغانستان از بر قراری دوباره نقش ایران منحصیث یک قدرت مسؤول و مأمون در همسایگی خود منفعت فراوانی را حائز خواهد شد.

شکی نیست که وجود انزوای سیاسی افغانستان مشکل جغرافی محاط به خشکه بودن این کشور را دو چندان ساخته است. گفته می توانیم که از میان هفت همسایه افغانستان، تنها سرحد آن با تاجکستان نسبتاً خالی از کشمکش سیاسی می باشد. مگر، سرحد دراز آن با کشور پاکستان دستخوش هجوم لشکری و سیاسی بوده، و مناسبات آینده افغانستان با ترکمنستان، ازبکستان و چین دستخوش بی ارادگی گردیده است.

هند، یگانه پارتتر عمده این کشور محاط به خشکه نیز تحت فشار مجبوریت های ناشی از مشکلات سرحدی با همسایه غربی خود گردیده است. مناسبات افغانستان با همسایه مهم دیگرش، ایران هم چنان تحت الشعاع رقابت های نائبی ایران و عرب سعودی، اقدامات کشور های غربی به منظور محاصره اقتصادی ایران، سیاست ایدئولوژیکی دولت ایران و بعض افغان های مخالف ایران گردیده است.

تلاقی منفعت ها:

در چهارده سالی که گذشت، دولت های امریکا و ایران با فهم این که هردوی شان منافع مشترک در افغانستان دارند، کوشیده اند تا کشور اخیرالذکر را از رقابت های ذات البینی شان به دور نگهدارند.

در واقع جواد ظریف وزیر خارجه ایران نقش مهمی را در کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ به منظور ایجاد نظام سیاسی فعلی ایفاء نموده است. ایران همچنان در خفا، با "جان کیری" وزیر خارجه امریکا در مؤفقیت او به منظور ایجاد حکومت اتحاد ملی در سال ۲۰۱۴ مساعدت نمود.

با توافق اتمی، تهران و واشنگتن باید مؤفق گردند تا این صلح سرد ذات البینی را به یک همکاری فعالی - که واجد ثبات و با سازی افغانستان گردد، ساخته، و در پایان کار یک اتحاد سه جانبه را به نفع همگی شان مبدل نمایند.

حکومت کابل می تواند از امکانات قدرت های متعارف امریکا و ایران منفعت گرفته و دولت امریکا بالاخره در منطقه موفق به یافتن یک پارتتری برای خودش در حل معضله افغانستان گردد و در نتیجه اتکایش را بر متحد نا مطمئن پاکستانی اش کمتر کند. برای ایران یک افغانستان مصون به منزله کلیدی برای تأمین امنیت در ولایات شرقی آن و دستیابی به منابع طبیعی سرشار افغانستان خواهد بود. قرابت ژئوستراتیژیک با چین و آسیای مرکزی نیز رول مهمی را در امنیت منطقوی به بار آورده می تواند.

راه سوم

از نظر تاریخی هر دو کشور ایران و افغانستان دستخوش آزار قدرت های امپریالیستی، اسلام سیاسی، مناسبات غیر مطلوب با کشور های همسایه و منازعات سیاسی جهانی بوده اند. در دراز مدت، ایجاد یک همدستی به منظور روی آوری ایران به سوی پیشرفت اقتصادی هر دو کشور امیدوار کننده خواهد بود.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

در پهلوی پاکستان، ایران و افغانستان جمعاً سه جمهوریت اسلامی را تشکیل می دهند. در حالی که پاکستان به شدت به سوی "اسلامی گری" در لغزش است، اما افغانستان و ایران به سوی "دیموکراسیت" قدم بر میدارند. بر خلاف جماعات دیگر اسلامی، جوامع ایران و افغانستان تنها دو جامعه اکثرأ مسلمان می باشند که هم زیر سلطه دولت اسلامی و هم تحت نفوذ جنگ های نیابتی قدرت های جهانی بسر برده اند. اما نه وعده های "بهشت بر روی زمین" اسلامیت ها و نه تظاهر به دیموکراسی جهان غرب دل این دو را بدست آورده توانسته است.

شواهد روز افزونی وجود دارد که نمایانگر یک حرکت به مقصد "فرا اسلامی" و "جوامع دنیا طلب" در ایران و افغانستان می باشد. تحکیم دیموکراسی در افغانستان و ایران موجب ایجاد یک گزینه دیگری در دنیای اسلام خواهد شد که نه اجندای رژیم های سخت گیر، فرقی و عقب مانده اسلامیت ها و نه خواهان رژیم خود سر، خشن و سیاست تفرقه انداز فرقی و قبیلوی خواهد بود.

ریشه های ایرانی

توافق اتومی ایران به منزله یک پیروزی گروه ریفورمیست ها و واقع نگر نیز بوده است که می تواند موجب تجرید جناح زور طلب در آن کشور گردد. این بالذات می تواند حرکتی را به میان آورد که مسیر روند سیاسی را از غایه مذهبی و هویت ایدیولوژیک آن به سوی یک عمق مدنی و جوهر فرهنگی سوق دهد. انتقال از یک ایران شیعه غرب ستیز به یک ایران فارسی ممکن است موجب فرا آوری خشم عده ای گردد، اما این روند تهدیدی را به ملت ایران یا مردم منطقه ببار نخواهد آورد. سائق چنین یک حرکت تجلیل از زیبایی، تنوع و زندگی خواهد بود، و نه مرده پرستی، و غلبه پسندی.

یک ایران فارسی همچنان به منظور باز یابی هویت و میراث ایرانی آن به افغانستان کمک خواهد کرد. تجزیه و فروپاشی مناطق غیر اروپایی توسط قوای استعمار نه تنها موجب ایجاد سرحدات خود ساخته گردید، بلکه باعث از بین رفتن یگانگی های میراث کلتوری و هویت آنها را نیز بوده است.

سطح مرتفع ایران و زبان فارسی به پارچه های مختلف و منزوی تقسیم گردید. فارسی که برای قرن ها زبان آمیخته نیم قاره هند بود، شکار نسل کشی امپراتوری برتانیه گردید، در حالی که در آسیای مرکزی ژوزف ستالین صدراعظم روسیه کاربرد زبان فارسی را عمل جنایت کارانه قلمداد نمود.

سراسیمگی فرهنگی

ظهور دو پدیده مستقل – به نام افغانستان و ایران در اواسط قرن نوزدهم، موجب به میان آمدن دو فرهنگ مشخص گردید که یکی آن فرهنگ ایرانی، و دیگری فرهنگ سر در گم افغانی باشد.

علی الرغم اقدامات متشتت یک حلقه کوچک – ولی طبقه قدرتمند حاکمه در کابل - که به منظور زدایش فرهنگ و هویت ایرانی و انحصار تمدن فارس توسط تهران در افغانستان فعالیت داشتند، افغانستان امروزی یک جزء لاینجزاء و وارث تمدن فارس و مظهر یک عده از شخصیت های بزرگ ایرانی مثل زردشت، ابن سینا، جامی، رومی، بهزاد، امام ابوحنیفه و گوهر شاد می باشد.

زبان فارسی همواره زبان آمیخته مردم افغانستان – به شمول پشتون ها از قبیل رحمن بابا (که در هر دو زبان فارسی و پشتو شعر می سرود)، در ارتقای کلتور و زبان فارسی بوده است. ازین رو به هرات، شهر غربی افغانستان می توان لقب یورشلم عالم فارسی را تفویض نمود.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

احیاء دوباره هویت ایرانی افغانستان می تواند یک جنبه ژئواستراتژیک نیز داشته باشد. شهر کابل هم اکنون در معرض تهدیدات امنیتی و ایدئولوژیک و هم چنان از نظر مسائل ترانزیتی از جبهه سرحدات جنوبی خود قرار دارد.

تیمور شاه درانی، پادشاه دوم امپراتوری درانی، پایتخت کشور خود را در اواخر قرن ۱۸ از کندهار به کابل عمدتاً به این منظور انتقال داد تا باشد که از کینه توزی های سیاسی سران قومی در امان گردد. اما بدبختانه رئیس جمهور اشرف غنی و حکومت برتانیه می خواهند با سوق حکومت کابل به سوی مدار نفوذ پاکستان این روند را طوری متغیر بسازند تا میدان سیاسی برای طالبان به ضرر قدرت های ملی گرا و دیموکراتیک فراخ تر گردد.

با آنهم، تغییرات اجتماعی در حال رشد، تهدیدات جدید امنیتی و امکانات اقتصادی موجب خواهد گردید تا افغانستان، ایران و ملل همفکر آنها این بیت مولانا جلال الدین رومی را که می گوید:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

سرمشق زندگی خود خواهند ساخت.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ